

استقلال دانشگاهها اولین قدم در تصحیح خطاهاست

روش ورود به دانشگاه را از چه راههایی می توان بهبود بخشید تا در عین اطمینان از منصفانه و مساوی بودن شرایط، کیفیت علمی تضمین شود و از فشار بر متقاضیان کاسته شود؟ يك دانشگاهي جوان که به مجلس راه یافته است در این باره نظر می دهد.

مصاحبه با دکتر علیرضا نوری*
جهانگیر پاک نیا

فعال داریم و احتیاجی به گزینش نیست؛ در حد يك اعلام، آن هم در موارد خاص، می تواند قابل قبول باشد. روش بهتر، دادن اختیارات بیشتر به دانشگاهها و به حساب آوردن نمرات و توان فرد در دوران تحصیل در دبیرستان است.

بسیاری معتقدند طرح واگذاری آموزش پزشکی به وزارت بهداشت سابق و خلق وزارتخانه جدیدی به نام بهداشت، درمان و آموزش پزشکی که کارنامه ای پانزده ساله دارد از ابتدا مبنای کارشناسانه نداشت و کمبود پزشک انگیزه تدوین آن بود. آثار زبان بار جدایی دانشکده های پزشکی از

گفته شد شما در کمیسیون بهداشت و درمان مجلس حرف از حذف کنکور سراسری رشته های پزشکی زده اید.

حرف حذف کنکور سراسری نتیجه سوء- تفاهم بود. من فردای آن روز تکذیب کردم ولی متأسفانه آن تکذیب تنها در ایسنا (خبرگزاری دانشجویان) منعکس شد. منظور ما طرح حذف کنکور نبود. معتقد نیستم که کنکور بهترین راه است، اما فعلاً تنها راه ماست. یعنی به رغم انتقاداتی که به کنکور داریم، جایگزین بهتری برای آن موجود نیست. بحث من، استقلال دانشگاهها بود. در مجلس در این باره بحث شده و ما باید در جلسات متعدد این موضوع را پخته تر کنیم و آن را به تالار مجلس ببریم. کنکور باید عادلانه باشد و ما مخالف هر گونه سهمیه بندی در کنکوریم. در هر رشته ای باید توانمندی های فرد ارزیابی شود. بخشی از این توانمندی ها بستگی به دوران دبیرستان فرد دارد. بخش دیگر را باید به عهده دانشگاه گذاشت. باید شماری بزرگتر از ظرفیت بگیرند و استادان دانشگاه حق انتخاب و امتحان با سنجش شفاهی و حضوری داشته باشند. برای اصلاح ساختار کنکور، حذف سهمیه ها، جایگزین کردن شایسته سالاری و حذف گزینش ضروری است. معتقدم گزینش در شرایط فعلی عمل موجهی نیست. سازمانهای انتظامی و قضایی

آموزش عالی امروز بیش از پیش نمایان می شود.

طرح ادغام آموزش پزشکی در وزارت بهداشتی سابق منطقی داشت: بهینه سازی ساختار بهداشت و درمان کشور، بردن پشتوانه علمی به بهداشتی و انتقال درمان به دانشگاهها. ولی نهایتاً نتیجه این بود که هم آموزش تضعیف شد و هم درمان. ما امروز نمی خواهیم با این طرح مخالفت کنیم، اما با الگوبرداری بدون مطالعه که گاهی در کشور ما اجرا می شود مخالفیم. ما کشوری هستیم با خصوصیات منحصر به خودمان و مجبور نیستیم هر الگویی به دست ما رسید عیناً در ایران اجرا کنیم. باید الگویی متناسب با خودمان طراحی کنیم. ما نمی توانیم بگوییم مثلاً برای هر ۱۰۰۰ یا ۲۰۰۰ نفر يك پزشک داریم، اما وزارت بهداشت نتواند حقوقی در حد يك کارگر به آنها بدهد. طبیعی است که ما نمی توانیم ایران را، فرضاً، با سوئیس مقایسه کنیم و بگوییم چون شاخص تعداد پزشک در هر دو یکسان است، ما وضعیتی مانند سوئیس داریم. در آن کشور اگر شاخص درمانی رشد می کند، درآمد ناخالص ملی اش هم بالاست و می تواند پزشکان را اگر بیکار هم باشند از نظر مالی تأمین کند. لذا ما گاهی دچار توهم می شویم و در کپی برداری از

* متخصص قلب و عروق، استادیار دانشگاه تهران و نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی.

کشورهای دیگر مختصات ایران را در نظر نمی‌گیریم. در نتیجه، طبق يك الگوی نامناسب دست به ادغام زدیم و تعداد زیادی پزشک وارد بازار شد، تا آنجا که پزشکان شاغل هم در معرض تهدید شغلی قرار گرفتند. حالا نمی‌توانیم جوابگوی خیل عظیم بیکاران باشیم و کارهایی که به آنان محول می‌کنیم صرفاً جنبه سرگرمی دارد و ارضاءکننده يك پزشک نیست. ایراد اصلی همین است. یعنی این طرح ممکن است در کشوری موفق باشد اما در کشوری مانند ایران کاملاً شکست می‌خورد و راه بازگشت از آن وجود ندارد. امروز آنقدر تار و پود وزارت بهداشت و درمان در دانشگاه‌ها تنیده شده که باز کردن آن هزینه‌گزافی می‌طلبد. بازگشت از این راه شاید بیست سال کار داشته باشد. به همین دلیل، یعنی هزینه و زمان، اصلاً نباید دنبال بازگشت به عقب بود، زیرا مساوی است با اتلاف بیست سال وقت. آنچه در این‌جا مهم است کارآمد کردن همین سیستم فعلی است. به‌هرحال، این طرح در مواردی جواب مثبت داده و گرچه ما در ابتدا با آن موافق نبودیم، حالا در صدد نفی نتایج مثبت آن نیستیم. بهینه‌سازی در این سیستم مستلزم دو رویکرد است: ۱) گسترش حوزه اختیارات

هیچ ایرادی ندارد که دانشگاهی از خارج با نام خودش واحدهای درسی در ایران ایجاد کند

دانشگاهها؛ ۲) درمان را به بیمه‌ها سپردن؛ یعنی به جای جداسازی کامل این‌دو، مقدار زیادی از مسئولیت آنها را تفکیک کنیم، بی‌آنکه به ترکیب وزارتخانه دست بزنیم.

این تفکیک در دانشگاه‌ها به کجا می‌انجامد؟

در دانشگاه‌ها تصمیم‌گیری باید با محوریت استاد انجام شود، نه با محوریت وزارتخانه. مثلاً این غلط است که وزیر حکم رئیس دانشگاه را

صادر کند. این استادها هستند که باید فردی را برای این پست برگزینند. چون دانشگاه با اعضای هیئت علمی است که معنی پیدا می‌کند و تصمیم باید با هیئت علمی باشد. جدا کردن ساز و کار دانشگاه‌ها از وزارتخانه و اعاده تصمیم به استادها با سرعت انجام شدنی نیست. صحیح نیست که فکر کنیم با طرحی در مجلس مشکلات حل می‌شود. اما به‌مرور و با برنامه‌ریزی باید به سمتی رفت که دانشگاه‌ها استقلال بیابند. طرحهایی در دست داریم که اختیارات وزارتخانه را تقسیم می‌کند. قصد داریم پستهای دانشگاهی را انتخابی کنیم، دانشگاه‌ها را تبدیل به واحدهای مستقل و تصمیم‌ساز کنیم به‌طوری که افراد باعلاقه بدانند در سرنوشت دانشگاه مؤثرند. شرایط ارتقا در سیستم فراهم باشد و هر استادی احساس کند اگر وظیفه خود را خوب انجام دهد می‌تواند به مدارج عالی علمی و ریاست دانشگاه دست پیدا کند، نه اینکه فردی در تهران حکم ریاست دانشگاهی در شهری دیگر را بگیرد. دانشگاه پادگان نیست و انتصاب به این شکل هیچ توجیهی ندارد. قصد داریم که حجم زیاد درمان را به بیمه‌ها بسپاریم و بیمه‌ها را در صف اول درمان قرار دهیم تا دانشگاه‌ها در حد بیمارستانهای آموزشی فعال باشند.

در شرایط خاصی اقدام به افزایش ظرفیت دانشکده‌های پزشکی شد. اما با این همه پزشک چه باید کرد؟

در پایان برنامه دوم توسعه، وزارت بهداشت مجاز است خود سهمیه‌ها را تعیین کند. در حال حاضر وزارت بهداشت می‌تواند سهمیه‌ها را نصف کند و حتی به يك چهارم کاهش دهد. مجلس اجازه این کار را داده است. این وزارت بهداشت است که باید سهمیه‌ها را در حد نیاز معقول کند، برای پزشکان فارغ‌التحصیل به فکر کار باشد و اشتغال ایجاد کند، همچنین امکان مسافرت به خارج و فرصتهای شغلی فراهم سازد. در مورد دانشگاه‌های موازی همچون آزاد، پیام‌نور، شاهد و غیره، ما به دنبال کم‌باز یاد کردن نیستیم ولی نظارت بر آنها باید بر عهده وزارت بهداشت باشد و یا گسترش نظارت بتواند آنها را نیز تحت پوشش قرار دهد. اگر دارای کیفیت هستند آنها را تشویق کند و عیبی ندارد که بعضی از آنها دارای آموزش بهتری باشند. اما شواهد حکایت از چیز دیگری دارد. حتی برخی آموزشها (مثلاً در دانشگاه آزاد) با امکانات دولتی در حال انجام است. از وظایف وزارت بهداشت و دولت است که این امکانات را در اختیار دانشگاه‌های دولتی قرار دهد و از استفاده دانشگاه‌هایی که

در دانشگاه‌ها تصمیم‌گیری باید با محوریت استاد انجام شود، نه با محوریت وزارتخانه. مثلاً این غلط است که وزیر حکم رئیس دانشگاه را صادر کند. این استادها هستند که باید فردی را برای این پست برگزینند

تحت پوشش آن نیستند جلوگیری کند.

بسیاری برآنند که ظرفیت خود دانشگاه‌های دولتی هم بیش از حد نیاز است، تا چه رسد به دانشگاه‌هایی که شما نام بردید. آیا در بازار شغل میدان بر فارغ‌التحصیلان خوب دانشگاه‌های دولتی که با کنکور دشوار پذیرفته شده‌اند تنگ نمی‌شود؟

وزارت بهداشت باید اول به فکر اشتغال دانشجویان دانشگاه‌های دولتی که از بیت‌المال برای آنها هزینه می‌شود در مؤسسات بهداشتی-درمانی وابسته به خود باشد، نه دانشگاه‌های دیگر و فارغ‌التحصیل‌های آنها. چون ظرفیتهای کاری با فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های دولتی پر می‌شود. ولی ما می‌بینیم که برخی از دانشجویان دانشگاه آزاد دوره تخصص خود را در بیمارستانهای دولتی طی می‌کنند و در حقیقت خود ما دچار نوعی اهمال شده و سهمیه‌های خود را به دانشجویان دیگر دانشگاه‌ها می‌دهیم.

ما نباید نگران ازدیاد دانشگاه‌ها باشیم. آنها شهریه می‌دهند و حداقل از بیت‌المال هزینه نمی‌شود. اما کسی که از بیت‌المال برای او هزینه می‌شود دیگر نباید بیکار بماند. چون بیکاری نه تنها ضرر هفت سال عمر از دست‌رفته را به دنبال دارد، میلیون پولی که برای او هزینه شده به هدر می‌رود. در اشتغال، دانشجوی دانشگاه دولتی که خرج تحصیل او از درآمد عمومی است باید در اولویت باشد. اما اینکه دانشگاه‌های غیردولتی

حذف شوند راه حل نیست. تعداد زیادی فارغ التحصیل از خارج کشور می آیند. می توانیم جلوی آنها را بگیریم؟ وقتی ما ظرفیت کاری را به دانشجویان خود واگذار کردیم، پزشکان دانشگاههای دیگر هم هستند و باید در مؤسسه های خصوصی بهداشتی برای آنها ظرفیت جلب نیرو به وجود آید.

امروز نه تنها استادها طرف مشورت قرار نمی گیرند و تصمیم از کانال آنها اتخاذ نمی شود، بلکه حتی اگر نظری برخلاف شرایط موجود بیان کنند با سرزنش و برخورد سرد مواجه می شوند

به عنوان مدرس دانشگاه، ساختار آموزش، نحوه تدریس و اداره دانشگاهها را چگونه می بینید؟

آموزش در دانشگاههای ما متأسفانه شبیه دبیرستانهای ماست. می توانیم در دانشگاهها به جای دوهزار نفر، صد هزار نفر دانشجو بگیریم، در یک سالن بزرگ جزوه بگویم و آنها بنویسند. کار ما الآن این گونه است. اما امروز به دنبال کمیت بوده ایم نه کیفیت. یعنی تعداد دانشگاهها را ببریم بالا، دانشجویان را افزایش دهیم، به تعداد خوابگاهها اضافه کنیم و این جور مسائل. ما به کیفیت آموزشی نپرداختیم و بخصوص اینکه همین آموزشها را نیز به صورت بسیار سنتی در اختیار داریم که به قدیم باز می گردد و هیچ فرقی نکرده است، همان کار همیشگی، جزوه و زیراکس. پس از مدتی، امتحان از همان جزواتی که استاد می گوید برگزار می شود و معلوم است همه با هر قابلیت و استعداد و ضریب هوشی فارغ التحصیل می شوند، که این خود ساختار ضعیف آموزشی ما

را نشان می دهد. دنیا با سیاست غربالگری به سمت هدف می رود، به گزینی می کند. دانشجو احتیاج به استاد راهنمای ثابتی دارد نه اساتیدی که حالتی نمایشی دارند. باید دوره های مختلفی زیر نظر آنها گذرانده شود، از قبیل واحدهای آزمونی، تحقیقاتی، تا در صورت موفقیت، به مقطع بالاتر ارتقا یابند.

گرفتاری فرآیند آموزشی و پژوهشی را در چه عواملی می بینید؟

یکی آنکه دانشگاههای ما به شدت تحت کنترل دولتند و تصمیم گیری در آنها در اختیار دولت است. در نتیجه، رقابت و خلاقیت در آن وجود ندارد. فارغ التحصیل دانشگاههای تهران و شیراز و بندرعباس را که با هم مقایسه کنیم، هیچ دلیلی وجود ندارد که یکی از آنها باسوادتر باشد مگر تصور عمومی از آن دانشگاهها. در حالی که باید شرایط را به جایی رساند که درجه بندی بین دانشگاهها ایجاد شود تا دانشجویان نخبه برای رفتن به آنها رقابت کنند و حتی به مرحله پذیرش بورسیه از خارج برسند. اما وقتی همه دولتی هستند و زیر نظر وزارتخانه فعالیت می کنند، استادها که خلاقیت در گرو تفکر و عمل آنهاست، دلیلی نمی بینند که در اتخاذ مواضع و تصمیمها دخالت کنند. امروز نه تنها استادها طرف مشورت قرار نمی گیرند و تصمیم از کانال آنها اتخاذ نمی شود، بلکه حتی اگر نظری برخلاف شرایط موجود بیان کنند با سرزنش و برخورد سرد مواجه می شوند. البته ایرادی در اعطای بودجه دولتی به دانشگاهها نیست، ولی به این سبب نباید استقلال آنها سلب شود. مورد دیگر، مرادده با دانشگاههای دنیاست که در حد صفر است. دانشگاههای ما باید با دانشگاههای دنیا مرتبط شوند و یکدیگر را حمایت کنند. مثلاً ممکن است شما دانشگاهی داشته باشید که سالی ۲۰ دانشجو از کشوری بپذیرد و به آنها آموزشهای مورد نیاز آن کشور را بیاموزد و بالعکس.

اما امروز مرادوات ما در این سطح است که کتابهایی که در آمریکا چاپ می شود هر چهار سال یک بار به ایران می آوریم و صرفاً مطالعه می کنیم، در حالی که این کتابها عمده تاً بر مبنای نیازها و شرایط طبی آنها نوشته شده است، و همگونی چندانی با شرایط ما ندارد. کمبود ارتباط علمی سبب شده که از بسیاری تحولات و نوآوریها بی خبر بمانیم. دانشجویان مان در بند نمره و امتحان هستند، شاید چون استادها در دانشگاهها به حاشیه تصمیم گیریها فرستاده شده اند، علاقه ای به آموزش با کیفیت ندارند. لذا دانشجویان هم بالتبع علاقمند نمی شوند و

جملاتی حفظ می کنند و چه بسا در پی یادگیری نباشند.

پس يك، اصلاح ساختاری در مسیر محوریت استاد و حرمت او؛ دو، ارتباطات پیگیر و منظم با کشورهای خارجی و حتی ایجاد گرسها و واحدهای درسی در ایران تحت نظارت دانشگاههای خارج. هیچ ایرادی ندارد که دانشگاهی از خارج با نام خودش واحدهای درسی در ایران ایجاد کند. نکته سوم و بسیار کلیدی، هدف دانشگاههاست. دانشگاه هدفی با نام تحقیقات دارد و نه آموزش. درخت سبب برای سایه اش کاشته نمی شود، البته علاوه بر میوه ای که به ما می دهد از سایه آن هم استفاده می کنیم. دانشگاه برای تحقیقات ساخته می شود و در کنارش آموزش وجود دارد، دقیقاً مانند سایه، اما هدف تحقیقات و پژوهش علمی است. پس اگر دانشگاهی آموزش می دهد ولی بار تحقیقاتی ندارد مثل درخت سیبی است که سایه خوبی می دهد ولی میوه ندارد. میوه دانشگاه تحقیق است. اگر مؤسسه ای مقالات علمی قابل قبول در سطح جهانی بیرون ندهد، نمی توان نام آن را دانشگاه گذاشت. ما راه را گم کرده ایم. باید محور را بر تحقیقات با محوریت استادان پژوهشگر بگذاریم. بدیهی است که وقتی تحقیق درباره يك موضوع پزشکی در دانشگاهها انجام می شود، آموزش بهتری هم در آن زمینه عرضه می شود چه بسا از نقاط مختلف دنیا برای آن به ایران بیایند و ما درآمد هم داشته باشیم به شرطی که محقق و

دانشگاه پادگان نیست و انتصاب رئیس هیچ توجیهی ندارد

پژوهنده به معنای واقعی را دارا باشیم، نه فقط کسی که کتاب را می خواند و درس می دهد. این در همه جا وجود دارد و کار مهمی نیست. وقتی ما سرطان مری را سرطان شایع کشورمان می بینیم، باید بزرگترین مرکز تحقیقات در زمینه سرطان مری در ایران داشته باشیم، آن وقت خواهیم دید که هم برای جراحی، هم برای تحصیل در این رشته، و حتی گرفتن فوق تخصص به ایران می آیند. این مستلزم استفاده از افرادی است در همین کشور ما که در دنیا کم نظیرند. □